

امروز شما

فروردین
امروز ارتباط با دنیای درونتان می تواند بسیار ارزشمند و مفید باشد و به نفعتان است که از فرصت استفاده کرده و کمی مدیتیشن و تمرکز کرده و به درون خود بپردازید.

اردیبهشت
روی انرژی فوق العاده ای که در امروز جریان دارد سرمایه گذاری کنید و خیالتان راحت باشد که ضرر نخواهید کرد. اکنون زمان بسیار خوبی برای بیان خودتان و احساساتتان با قدرت و به محکم ترین شکل ممکن خواهد بود.

خرداد
امروز فعالیت و جنب و جوش در اطراف شما دارد اوج می گیرد و شما هم باید در این فعالیت ها شریک شده و به اندازه ای سهم خود به انرژی هر گروهی که در آن هستید اضافه کنید.

تیر
امروز شما فکر می کنید که داشتن یک نگرش مثبت کمک خواهد کرد تا یک روز پر دغدغه و پراسترس را به یک روز خوب و خوشایند تبدیل کنید، اما متأسفانه تغییر دادن نگرشتان در تغییر شرایط موجود کمک چندانی به شما نخواهد کرد.

مرداد
اگر می خواهید به اهداف فعلی خود دست پیدا کنید هیچ راهی برای فرار از کارهای سختی که در مسیر شما به سوی آینده قرار دارند وجود نخواهد داشت. بزرگ ترین چالش شما در حال حاضر بی توجهی به جزئیات است که می تواند برایتان دردسرساز شود.

شهریور
طی روزهای آینده اگر یک برنامه ریزی دقیق و حساب شده داشته باشید خواهید توانست کارهای بسیار زیادی را به انجام برسانید و در هر گروهی که قرار بگیریید بسیار مفید واقع شوید.

مهر
امروز تا زمانی که آنچه به دنبال هستید را نیافته اید دست از تلاش و جستجو بردارید. شاید خیلی جاها را بگردید و آن را پیدا نکنید، اما بالاخره یک جایی آن را خواهید یافت.

آبان
امروز در انجام کارهایتان تعصب و کله شقی به هیچ وجه به شما کمکی نخواهد کرد. اگر در برابر روش های جدید از خودتان انعطاف پذیری نشان دهید افکار انقلابی به سران خواهند زد که شما را از لحاظ ذهنی در برابر مشکلات احتمالی مجهز خواهند کرد.

آذر
شما همیشه وقتی برنامه می بینان انگیزی برای خود در سر داشته باشید می توانید راهی برای فرار کردن از مسئولیت هایی که به عهده دارید پیدا کنید، اما امروز احساس می کنید که باید برای رسیدن به اهدافتان دقت و توجه بیشتری به کارتان داشته باشید و وقت بیشتری برای آن صرف کنید.

دی
امروز شما در انجام هر کاری که به عهده داشته باشید قدرت و پشتکار قابل توجهی از خود نشان خواهید داد. شما در حال حاضر انرژی بسیار زیادی را در وجود خود احساس می کنید.

بهمن
امروز اتفاقات بسیار زیادی در اطراف شما در جریان هستند و شما احساس می کنید که انگار دارید یک فیلم پرماجرا را در سینما تماشا می کنید. امروز روز خوبی برای تماشای بودن نیست و شما باید در این فیلم یک نقش فعال داشته باشید.

اسفند
امروز روابط شما با دوستان و همکارانتان ممکن است طبق برنامه هایی که داشته اید پیش نروند، دلیل آن هم چیزی نیست جز این که شما فکر می کنید کارهایی مهم تر از سر و کله زدن با آن ها دارید و حاضر نیستید برای کنار آمدن با آن ها تلاش کنید.

دختری که ۱۱ بار زبان مار کبرا را بوسید!



یازده بار بر زبان شاه مار کبرا بوسه زد و به «ملکه مار ایران» ملقب شد؛ هرچند پیش از این هم پدرش لقب «سلطان مار ایران» را یدک می کشید البته ماجرا برمی گردد به یازده سال پیش، زمانی که فائزه تنها هفت سال داشت.

به گزارش جام جم آنلاین، روزنامه شهروند در ادامه نوشت: پدرش بوسه دختر چینی بر سر ماری سمی را در روزنامه ای دید و برای ثبت نام فائزه در گینس دروغی ساخت. در واقع «سلطان مار ایران» تصمیمی جسورانه گرفت و کودک هفت ساله را به بوسیدن زبان شاه مار کبرا تشویق کرد؛ جانوری مخوف که پادزهری هنوز برای سم آن کشف نشده است!

این ابتدای راه دختر بچه ای بود که از سه سالگی با مارها عینج شد و در هفت سالگی رکورد خود را در گینس به ثبت رساند.

فائزه از همان کودکی شهر به شهر پدرش را همراهی می کرد و مارها را برای مردم به نمایش می گذاشت. او در یازده سالگی توانست به همراه برادر کوچک تر خود به مدت دوازده ساعت با انواع مارهای سمی در آکواریم یک دریک (متز) بازی کند، بدون اینکه هیچ مشکلی برایش به وجود بیاید.

بسیاری فکر می کنند که مارها ممکن است به صاحبان خود عادت کنند اما واقعیت این است که مار رام نمی شود؛ تا جایی که این دختر بچه بارها و بارها گزش مار را تجربه کرده است.

در این گفت و گو درباره زندگی عجیب او و تجربه های شگفت انگیزش در برخورد با مارها پرسیده ایم.

«ملکه مار ایران» لقبی بود که بعد از ثبت رکورد روی تو گذاشتند.

بله این لقب را بعد از رکورد روی من گذاشتند و در گوگل هم اگر جستجو کنید، اسم من می آید.

درباره این رکورد صحبت خواهیم کرد؛ اما فعلاً از حالا شروع کنیم. چند سالت است؟

بیست سالم است.

کجا زندگی می کنی؟

شهر کرد. دانشجو هستم.

چه رشته ای و کجا؟

روانشناسی؛ دانشگاه شهرد کرد.

چه زمانی احساس کردی با مارها راحت هستی؟

من از سه سالگی شروع به شناختن مارها و برقراری ارتباط با آن ها کردم. به خاطر علاقه ای که به طبیعت و حیوانات داشتم، به خصوص مارها؛ اما من نسبت به سایر اعضای خانواده ام علاقه بیشتری در این زمینه از خودم نشان دادم. البته بعد از رکورد هفت سالگی ام احساس کردم می توانم با این موجود بیشتر عینج شوم.

چه شد که به فکر ثبت اسمت در کتاب گینس افتادی؟

پدرم در روزنامه ای خوانده بود که یک دختر چینی توانسته سر مار کبرا را سه بار ببوسد. پدرم وقتی دید من استعداد و علاقه دارم، شروع به آموزش من کرد. همین آموزش و تجربه پدرم کمک کرد تا بتوانم زبان شاه مار کبرا را یازده بار ببوسم.

نخستین بار که خواستی نوک زبان مار را ببوسی، نتایجش چی بود؟

در آن زمان هفت ساله بودم؛ برای همین از مار ترس نداشتم، چون کودکی کنجکاو و علاقه مند به حیوانات به خصوص مارها بودم. همچنین آموزش هایی که پدرم به من داده بود، باعث شد از مار ترس نداشته باشم؛

تا جایی که به یاد دارم، خیلی مشتاق بودم زودتر این رکورد را بزنم و به همه نشان بدهم که یک دختر بختیاری چه هنری دارد.

نگاه همسالان به تو چطور بود؟ تعجب نمی کردند یا به خاطر این تفاوت احساس نمی کردند باید از تو دوری کنند؟

نه؛ خدا را شکر خیلی نگاه مثبت و خوبی داشته اند؛ خیلی کنجکاو هستند. در مورد این خزنده اطلاعات داشته باشند. می توان گفت بیشترین صحبت من و اطرافیانم در مورد مار است. همچنین اجتماعی بودن باعث شده تا با اطرافیانم به راحتی ارتباط برقرار کنم. شاید برای همین است که بسیاری از دوستانم عاشق حرفه من هم شده اند.

اما بچگی تو به همین خاطر، با دیگران تفاوت داشته. حالا که بزرگ تر شده ای، احساس نمی کنی این تفاوت آزاردهنده باشد؟ از این کودکی رضایت داشتی؟

بله؛ همان طور که گفتم به خاطر علاقه ام به طبیعت، حیوانات و به خصوص مارها نسبت به اعضای خانواده ام بیشتر علاقه نشان دادم. البته هیچ گاه پدرم ما را مجبور به ورود در این کار نکرد، برای همین از بین ۶ فرزند، تنها ۳ فرزند به این کار علاقه نشان دادند و وارد آن شدند.

اگر دوباره به کودکی برگردی، با مارها عینج می شوی یا تفاوت زندگی می کنی؟

اگر بارها و بارها به گذشته برگردم، نه تنها ارتباط با مارها را ادامه می دهم، بلکه در مورد حیوانات دیگر هم مطالعه می کنم و با آن ها عینج می شوم.

خب این ارتباط با مارها تأثیری در خلیقات تو نداشت؟

به نظر من هر چیزی در خلق و خوی انسان تأثیر می گذارد. این خود انسان است که تأثیرات را کم یا زیاد می کند. من فکر می کنم، علت ترس بودنم ارتباط با مارها بوده. برای همین نسبت به اطرافیان و دوستانم، دلجو ترتر بیشتر دارم.

این دلجو ترتر به خاطر این نیست که تو صاحب مارها هستی؟ اصلاً برای مارها فرقی دارد که کسی صاحبشان باشد یا نه؟ مارها قدرت تشخیص آدم را از همدیگر دارند؟

مار حیوانی وحشی است و رام نمی شود. مار دوست و دشمن نمی شناسد، هر لحظه ممکن است کسی را بزند. به همین جهت مسلماً نمی تواند برای خود صاحب داشته باشد.

پس تا به حال تو را هم نیش زده.

بله؛ انگشت پدرم به خاطر گزش مار قطع شد. مار افعی هم یک بار چشمش را نیش زد. حتی مار کبرا یک بار خودم را در نمایشگاه کوهسنگی مشهد نیش زد. خدا را شکر با تجربه پدرم و به همراه داشتن پاتن (پاذهر) جان سالم به دربردم.

بدترین زخمی که از مار خوردی چه زمانی بود؟

بدترین زخمی که خوردم، چند سال پیش بود؛ وقتی که مار کبرا لبم را در حین نمایش نیش زد؛ ولی خوب جان سالم به دربردم؛ اما این اتفاق هم به خاطر سهل انگاری یکی از تماشاچیان بود؛ زیرا پدرم قبل از نمایش اعلام کرد با دوربین فلش نزنید، چون چشم های مار به نور فلش حساس است، اما تماشاگران بدون توجه به این موضوع در حین عکس برداری فلش زدند. فلش دوربین باعث شد مار آذیت شود و مرا

عدد ۱ است و به روی پهلو حرکت می کنند. اندامشان هم به انتهای دم که می رسد، باریک می شود.

در این مدت به گرفتن سم مار هم فکر کردی؟ ارزش فوق العاده ای در علوم پزشکی دارد.

بله، پدرم با سرم سازی رازی کشور در ارتباط است و از سم مارها برای ساختن پاذهر میولان و پلی و آلان استفاده می کنند.

می گویند در منطقه ای که شما زندگی می کنید، بزرگ شدن در کنار حیوانات، حتی حیوانات سمی و خطرناک عادی است. درست است؟

استان چهارمحال و بختیاری، استانی سردسیر و کوهستانی است. اگر بخواهیم کلی بگوییم، مردم روستاهای استان ما به دلیل آب و هوا و منطقه کوهستانی نسبت به جاهای دیگر از نظر چابکی و زنگی برتر هستند، اما این که با حیوانات زندگی کنند، آن هم سمی و خطرناک، نه! چنین چیزی وجود ندارد. البته مردمی هستند که دام دارند و به خاطر شغلشان با دامها در ارتباط هستند، ولی ارتباط با حیوانات خطرناک و سمی یک امر عادی نیست و مثل مردم دیگر شهر که از این حیوانات می ترسند، آن ها هم ترس دارند.

خودت هیچ وقت فکر کرده ای زمانی که خواب هستی یا حواس نیست، تو را بزند؟

خب، ما همیشه احتیاط می کنیم تا این اتفاق نیفتد، اما زمانی که حواسمان به مارهای دیگری است، یک مار به صورت ناگهانی حمله می کند. ولی تا به حال در خواب پیش نیامده.

با تمام این توضیحات، چرا دیگر مار ندارید؟

نمی توان گفت مار نداریم، چون مار داریم اما در نمایشگاه نگهداری می شوند. البته مدت زمانی هست که من از اجرای نمایش با مارها خداحافظی کردم. گاهی اوقات به نمایشگاه می روم و با مارها بازی می کنم. علاقه من به مارها از بین نرفته است.

به خاطر مارگزیدگی هایی که درباره آن گفتید؟

ما، مار داریم و از آن ها دوری نکرده ایم. من فقط از اجرای نمایش با مار خداحافظی کردم، ولی همچنان مطالعه و پژوهش در مورد خزنده گان را ادامه می دهم.



کازرون - روستای فتح آباد

عکس: محمدرضا نوکام

از نگاه دوربین

سگ های پیت بول صاحبشان را خوردند

مأموران ابتدا روز جمعه سگ ها را در کنار جسد پیدا کردند. پلیس ابتدا فکر می کرد سگ ها در کنار لاشه یک حیوان هستند اما معلوم شد جسد متعلق به بتانی استیونز است.

پلیس می گوید این سگ ها از نوع پیت بول درحال خوردن بقایای صاحب خود بودند.

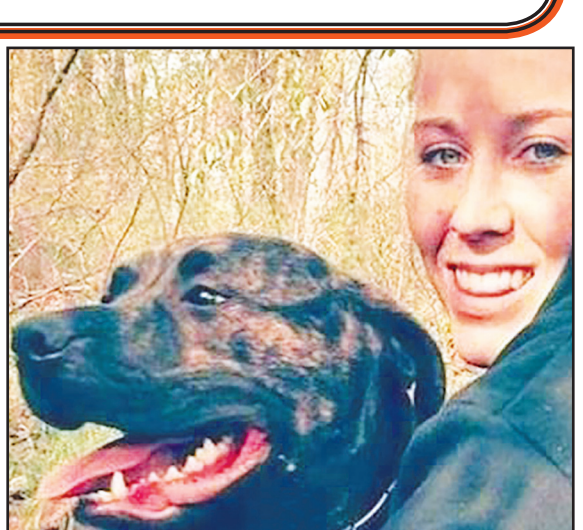
جیم اگیور رئیس پلیس گوچلند گفت: «من شاهد بودم و چهار مأمور دیگر شاهد بودند که سگ ها درحال خوردن قفسه سینه جسد بودند.» او گفت: «اولین جراحات به گلو و صورت او وارد شده بود.» او که دائم مکث می کرد اضافه کرد: «به نظر می رسد او زمین افتاده و از هوش رفته باشد و بعد از آن سگ ها او را جویده و کشته باشند.» او در کنفرانس خبری روز دوشنبه گفته بود که به احترام خانواده قربانی نمی خواهد جزئیات حادثه را منتشر کند.

اما بعد از شروع شایعات در این شهر کوچک در حدود ۵۰ کیلومتری ریچموند، مرکز ویرجینیا و تماس های مکرر شهروندان نگران با اداره پلیس، تصمیم به انتشار این اطلاعات گرفت تا به مردم اطمینان دهد هیچ قاتلی در آن اطراف نیست.

دوستان قربانی می پرسیدند که چه چیزی منجر به حمله حیوانات به صاحبشان شده که از زمان تولدی آن ها را بزرگ کرده بود.

یکی از دوستان خانم استیونز به رسانه های محلی گفت که سگ ها موجودات ملایمی بودند.

دو سگ که اکنون با اجازه خانواده قربانی کشته شده اند در مجموع دو برابر خانم استیونز وزن داشتند. به گفته پلیس بتانی فردی «ریزنقش» بود و حدود ۴۵ کیلوگرم وزن داشت.



پلیس در ایالت ویرجینیا آمریکا جزئیات مرگ دلخراش دختری را منتشر کرده که مقامها می گویند در حمله دو سگش هنگام پیاده روی کشته شده است.

به گزارش جام جم آنلاین به نقل از بی بی سی، پلیس ۴ روز بعد از کشف جسد بتانی استیونز، ۲۲ ساله، برای دومین بار یک کنفرانس خبری ترتیب داد تا نحوه مرگ او را توضیح دهد و شایعات درباره احتمال قتل را رد کند.